فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶، پیاپی ۲۲
صفحات ۱۱۸-۹۷

نقش سرمایه روان‌شناختی در ارتقای کارآفرینی روستایی استان آذربایجان شرقی

وکیل حیدری ساربان *؛ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
علی مجنونی توتاخانه؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۲۸ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۷/۱۶

چکیده

توسعه‌ی کارآفرینی روستایی پتانسیلی برای کمک به تنوع بخشی به منابع درآمد و اشتغال روستایی است که فرصت‌های مناسبی را برای کاهش مخاطرات معیشتی و ماندگاری در مناطق روستایی فراهم می‌کند. دراین ارتباط، سازوکار سرمایه‌ی روان‌شناختی یکی از جنبه‌های مهم در تقویت کارآفرینی روستایی است. هدف این مقاله بررسی نقش سرمایه‌ی روان‌شناختی در تقویت کارآفرینی روستایی در استان آذربایجان شرقی است. این تحقیق از نوع کاربردی و به روش توصیفی- تحلیلی است که با استفاده از روش پیمایش انجام‌شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش ۲۳۶۵ کارآفرین روستایی ساکن در ۳۲۸ روستا بوده که درسال ۱۳۹۵ توسط اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان آذربایجان شرقی شناسایی شده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، تعداد ۴۱۰ کارآفرین روستایی و روستاییان عادی (۲۰۵ نفر کارآفرین و ۲۰۵ نفر غیر کارآفرین) به‌عنوان حجم نمونه انتخاب گردید. مطالعه پرسشنامه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۴۰ پرسشنامه صورت گرفته و در پی آن روایی صوری پرسشنامه توسط متخصصان مورد تأیید و پایایی آن نیز با استفاده از فرمول کرونباخ آلفا، برای بخش‌های مختلف پرسشنامه تحقیق ۰/۸۹ الی ۰/۹۱ محاسبه شد. نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن نشان داد که تمامی متغیرهای تحقیق با تقویت کارآفرینی رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری دارد. همچنین در آزمون رگرسیون چندگانه‌ی خطی متغیرهای امیدواری، اعتمادبه‌نفس، خودکارآیی، خوش‌بینی و تاب‌آوری توانایی تبیین ۰/۸۸ درصد از تغییرات متغیر تقویت کارآفرینی را دارد.

واژگان کلیدی: کارآفرینی روستایی، سرمایه روان‌شناختی، اقتصاد روستایی، استان آذربایجان شرقی.

* vh.sareban@gmail.com

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۱) مقدمه

بررسی اسناد و مدارک نشان می‌دهد که کارآفرینی از بعد اشتغال و تولید (کارآفرینی اقتصادی) برای جامعه روستایی و مدیریت روستایی اهمیت دارد. به این دلیل که بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، نرخ بیکاری مناطق روستایی برابر ۱۵/۰۴ درصد و نرخ مشارکت نیروی کار ۴۱/۷۸ درصد است. جمعیت فعال روستایی در سال ۱۳۹۰ حدود ۷۵۳۶۵۴۲ نفر بوده که از این تعداد ۶۲۴۲۱۴۴ نفر شاغل و ۱۲۹۴۳۹۸ نفر بیکار جویای کار بوده است. علت اشتغال پایین روستائیان در واقع به مسائلی همچون بازدهی کمتر فعالیت‌های کشاورزی، کمبود سرمایه‌گذاری، نبود فناوری‌های نوین، نبود روحیه کارآفرینی در روستاها مربوط می‌شود؛ مجموع عوامل فوق منجر به این شده که هرساله از جمعیت شاغل در روستاها کاسته شود (متوسط کاهش سالانه ۱۴ هزار نفر در کل روستاهای کشور) و به بخش‌های صنعت و خدمات افزوده می‌گردد (متوسط افزایش سالانه به ترتیب ۱۸ و ۲۷ هزار نفر).

اضافه شدن جمعیت بیکار و مهاجر روستایی به جمعیت شهری موجب افزایش جمعیت شهرها و درنتیجه تشدید مشکلات شهرنشینی مانند کمبود مسکن، توسعه مناطق حاشیه شهری و افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود (امینی، ۱۳۸۶: ۲۶). ازاین‌رو حفظ جمعیت روستایی در روستاها دارای اهمیت زیادی است. دستیابی به این امر نیز تا حدود زیادی نیازمند کارآفرینی است. کارآفرینی از منابع مهم و پایان‌ناپذیری همه جوامع بشری است. منبعی که به توان خلاقیت انسان‌ها برمی‌گردد. از یک‌سو ارزان و از سوی دیگر بسیار ارزشمند و پایان‌ناپذیر است (صباحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰) و علاوه بر این، در دنیای امروز، ایجاد مشاغل نوین برای ادامه حیات و پویایی اقتصاد کشورها بسیار ضروری است (Dahlstrand, 2010: 21).

در چند دهه اخیر در کشور ما برداشت نادرست از فرآیند توسعه و به‌ویژه توسعه روستایی، منجر به شکل‌گیری دولتی بزرگ گردیده که خود باعث نادیده گرفتن نقش مشارکتی، خلاقیت و نوآوری مردم و همکاری‌های آنان در فرآیند توسعه شده است (افتخاری و غریب‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۱۷). تبعیت از چنین تفکری از بروز هرگونه خلاقیت و نوآوری در جوامع روستایی جلوگیری کرده که این خود از موانع اصلی رسیدن به توسعه پایدار قلمداد می‌شود؛ بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که کارآفرینی روستایی راهکاری جدید در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی در جهت تغییر الگوی زندگی کنونی به الگوی مطلوب و شایسته انسانی، کاهش شکاف شهر- روستا، ایجاد برابری اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی است و درعین‌حال ابزاری مهم دررسیدن به توسعه پایدار به شمار می‌آید.

متون توسعه نشان می‌دهد که کشورهای موفق در حوزه توسعه متوازن شهری روستایی از طریق اتخاذ راهبردهای سرمایه‌ی روان‌شناختی توانسته‌اند توانمندی‌ها و ظرفیت‌های روستائیان را در محیط-های روستایی خود ارتقا بخشند. سرمایه روان‌شناختی ریشه در نهضت روان‌شناسی مثبت‌گرا دارد. به‌زعم

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

میهالیای سیگزنت[1] و سلیگمن[2] (۲۰۰۰)، «روان‌شناسی مثبت‌گرا علم تجارب مثبت روانی، خصلت‌های مثبت فردی و سازمان‌های مثبت‌گرا برای تمایل به پیشرفت و موفقیت از طریق استفاده از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های فردی و جمعی است.»(Csikszentmihalyi and Seligman, 2000: 116).

توانمندسازی و ظرفیت‌سازی فردی و جمعی از طریق بهبود سطوح و ابعاد مختلف سرمایه‌ی روان-شناختی زمینه را برای مدیریت و سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی افراد فراهم می‌سازد. از نظر لوتانز[3] و همکاران(۲۰۰۷) این دو راهبرد مانع از اشتغال ذهنی مداوم به ضعف‌ها و سوء عملکردهای افراد، گروه-ها، نهادها می‌شود. به عبارتی منجر به افزایش اعتمادبه‌نفس، خوش‌بینی، امیدواری و تاب‌آوری را در سکونتگاه‌های انسانی به‌ویژه در افراد روستایی می‌شود. (Luthans and et al, 2007: 541). نتایج مطالعات سیلوا[4] (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که راهبرد سرمایه‌ی روان‌شناختی از طریق بهبود توانمندسازی و ظرفیت‌سازی، موفقیت کارآفرینانه را در مواجه با دوران رکود افزایش می‌دهد و کسانی که در دوران پیش از رکود از سطح سرمایه روان‌شناختی قابل قبولی برخوردار بودند، قابلیت بیشتری در جهت سازگاری و غلبه با شرایط جدید دارند. همچنین نتایج نشان می‌دهد خوش‌بینی و امیدواری برآورد کننده بهتری جهت پیش‌بینی میزان موفقیت کارآفرینان روستایی است(Silva, 2010: 6-10).

بنابراین کارآفرینی و سرمایه روان‌شناختی باید همبستگی نزدیک و فراوانی با یکدیگر داشته باشد و درنتیجه سرمایه روان‌شناختی می‌تواند بر تقویت کارآفرینی روستایی تأثیرگذار باشد؛ در فرآیند تقویت کارآفرینی روستایی، متغیرهای روان‌شناختی به‌ویژه سرمایه روان‌شناختی نقش کلیدی ایفا می‌کند؛ چراکه هیچ توسعه‌ای بدون خودکار آمدی، تاب‌آوری، خوش‌بینی و امیدواری ذی‌نفعان و اجتماعات محلی شکل نمی‌گیرد؛ به این خاطر در این تحقیق، راهبرد سرمایه روان‌شناختی در تقویت کارآفرینی روستایی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

اهمیت توجه به نقش راهبرد سرمایه روان‌شناختی در توانمندسازی کارآفرینان روستایی به این دلیل است که این راهبرد منجر می‌شود کارآفرینان روستایی بتوانند تصمیمات خود را در جهت پیاده‌سازی تفکرات و خلاقیت‌های بالقوه خود اتخاذ کنند(Unger et al, 2011: 343). علاوه بر این، با تکیه بر راهبردهای سرمایه‌ی روان‌شناختی می‌توان در جهت ارتقای انگیزه‌ی کارآفرینان و مخصوصاً کارآفرینان سکونتگاه‌های روستایی، افزایش اثربخشی و خلاقیت آنان و راهی برای به دست آوردن مزیت رقابتی در بین آنان انتخاب نمود(Ma, 2002: 1766).

1. Mihaly Sigzeit
2. Seligman
3. Luthans
4. Silva

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

موسکاردو[1](۲۰۰۸) در مورد نقش و اهمیت راهبردهای سرمایه‌ی روان‌شناختی در تقویت کارآفرینی روستایی اعتقاد دارد که این راهبرد از طریق ارتقای توانایی افراد، سازمان‌ها و جوامع محلی روستایی برای انجام وظایف، حل مسائل، تدوین و دستیابی به اهداف است منجر به توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در بین کارآفرینان روستایی می‌گردد(Moscardo, 2008: 169-171). استان آذربایجان شرقی نیز به عنوان یکی از استان‌های کشور که دارای تعداد زیاد سکونتگاه روستایی است؛ به‌طوری که بر اساس سرشماری عمومی سال ۱۳۹۰ دارای ۱۴۴۰۱۲۴ نفر جمعیت روستایی بوده که در ۲۵۶۲ روستا سکونت دارند. وجود تعداد زیادی از سکونتگاه‌های روستایی هم به عنوان تهدید و هم به عنوان یک مزیت شناخته می‌شود. تهدید تعداد زیاد روستاها به صورت پراکندگی، موقعیت کوهستانی برخی از روستاها و مشکل بودن احداث زیرساخت و در نهایت افزایش هزینه‌های دولت و عقب‌ماندگی روستاها بروز می‌کند. مزیت تعدد روستاها نیز بیشتر به دلیل تنوع امکانات و سرمایه‌های انسانی و طبیعی است که می‌توان با تکیه بر توانمندی‌های روان‌شناختی خود روستائیان و تقویت روحیه کارآفرینی در آنان، این سرمایه‌ها را به بالفعل درآورد. به خصوص اینکه در طی چند سال اخیر و به دنبال خشک‌سالی دریاچه ارومیه، احساس نیاز به کارآفرینی روستایی به منظور تنوع‌بخشی به شغلی و منابع درآمدی آنان جهت کاهش استفاده از منابع آبی و محیطی بیشتر شده است.

درحالی‌که اقدام عملی برای تقویت بنیان‌های اجتماعی و اقتصادی در روستاها صورت نگیرد در آینده نه چندان دور تخلیه بیشتر روستاها از جمعیت و هجوم آنان و به خصوص جمعیت جوان و تحصیل‌کرده به مراکز شهری صورت می گیرد. به منظور جلوگیری از افزایش مشکلات روستاها، شناسایی عوامل مؤثر بر تقویت کارآفرینی روستاییان ضروری است. از طرفی راه‌اندازی کسب و کار جدید(کارآفرینی) جدای از فراهم بودن برخی از امکانات زیرساختی، وابسته به برخی از ویژگی‌های روحی و روانی خود افراد است. به نظر می‌رسد که از بین تعداد کثیری از ساکنین روستاهای آذربایجان شرقی، برخی از افراد دارای خصوصیات روان‌شناختی متفاوتی از سایرین هستند که این خصوصیت بارز و منحصربه‌فرد در آنان به صورت ایجاد انگیزه برای راه‌اندازی کسب‌وکار نمود یافته است. در این تحقیق تلاش شده تا به این سوال مهم پاسخ داده شود که: "آیا بین راهبردهای سرمایه روان‌شناختی و تقویت کارآفرینی روستایی رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد؟

۲) مبانی نظری

تاکنون مطالعات متعدی در خصوص عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و موفقیت کارآفرینی در سطح

[1] Moscardo

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

روستاها انجام شده است که این تحقیقات شامل ابعاد اجتماعی، اقتصادی، محیطی، مدیریتی و روان شناختی است. بررسی عوامل روان‌شناختی و از آن جمله بررسی نقش سرمایه روان‌شناختی در کارآفرینی روستایی یکی از مباحث جدیدی بوده که در طی یک دهه اخیر توجهات زیادی را به خود جلب کرده است. مهم‌ترین پژوهش‌های داخلی و خارجی صورت گرفته در این زمینه به صورت جدول (۱) بوده است.

جدول شماره(۱): پیشینه پژوهش در خصوص نقش سرمایه روان‌شناختی در تقویت کارآفرینی

عنوان پژوهش	سال انجام	یافته های پژوهش
مؤلفه‌های توسعه کارآفرینی روستایی (مطالعه موردی :شهرستان کرمان)	ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۳	به ترتیب عامل‌های روانشناختی، مهارتی، فردی و زیرساختی دارای بیشتر اثرگذاری در کارآفرینی روستایی هستند
تحلیل عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی	موحدی، یعقوبی فرانی، ۱۳۹۳	رابطهٔ معنادار بین ویژگی‌های شخصیتی، وضعیت اقتصادی و شرایط اجتماعی- فرهنگی زنان با سطح کارآفرینی آن‌ها و نیز نبود رابطهٔ معنادار بین وضعیت خانوادگی و سطح کارآفرینی وجود دارد.
سنجش وضعیت توسعه کارآفرین در مناطق روستایی مورد: دهستان استرآباد جنوبی در شهرستان گرگان	نجفی‌کانی و همکاران،۱۳۹۴	مؤلفه های آینده‌نگری، اعتماد به نفس نوآوری و خلاقیت دارای اثرگذاری مثبت و معناداری با کارآفرینی هستند
عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی روستایی (نمونه مطالعه: مناطق روستایی شهرستان منوجان)	حسینی نیا و فلاحی، ۱۳۹۶	مهمترین عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی روستایی به ترتیب عبارت‌اند از عوامل فردی، فرهنگی‌اجتماعی، زیرساختی، طبیعی و بوم‌شناختی، قانونی، آموزشی، نهادی، سیاسی و اقتصادی. افزون‌براین، سازوکار تعاملی ایشان
صفات روان شناختی در کارافرینی روستایی	باب[1]، ۱۹۹۲	متغیرهای نیاز به دستیابی به موفقیت، بالا رفتن سن، ثبات احساسی و روابط شخصی ویژگیهایی بیشتریت تاثیر را در کارآفزینی داشته است.
تأثیر ویژگی های شخصیتی و پیام های متقاعد کننده در کارآفرینی	دپیلیس و ررادون[2]، ۲۰۰۷	مغیرهای اندازه انگیزه کارآیی شخصی، انگیزه پیشرفت، تحمل ابهام، نگرش نسبت به کارآفرینی و هدف کارآفرینی در کارایی روستائیان اثرگذار است.
مناطق کارآفرینی: آیا ویژگی های فرهنگی روانشناختی مناطق کمک می کند تا «پارادوکس دانش» اقتصاد را حل کنیم؟	آبس چانکا[3] و همکاران، ۲۰۱۵	متغیرهای فرهنگی، روان شناختی، روحیه اقتصادی، انگیزه های فردی و جمعی، محیط خانواده بر شکل گیری انگیزه های کارآفرینی اثرگذار است.

[1] Babb
[2] De Pillis & Reardon
[3] Obschonka

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

در جوامع روستایی افراد موفق در مقام کارآفرین، می‌توانند عوامل مختلف تولید را گردآورند و با تلاش و کوشش‌های خلاقانه خود فعالیت‌ها را به موفقیت سوق دهند(قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۳). بدیهی است انگیزه فعالیت‌های کارآفرینی نفع شخصی است، اما ایجاد فضای مناسب برای کارآفرینی در سطح محلی (روستا)، منافع منطقه‌ای و ملی را نیز به دنبال دارد. به همین جهت امروزه صاحب‌نظران توسعه روستایی معتقد هستند که برای تحقق توانمندسازی و ظرفیت‌سازی جامعه روستایی، تصمیم‌گیری و مدیریت روستایی بایستی در داخل خود جامعه محلی صورت گیرد و عوامل بیرونی نقش تسهیل گر را ایفا کنند (فرجی سبکبار و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۴).

کارآفرینی در بخش روستایی می‌تواند نظمی نوین را برای کار در مناطق روستایی پیش‌بینی کند که از چندین جنبه دارای اهمیت است: نخست اینکه عاقلانه است، یعنی افراد و گروه‌های کاری در محیط روستا توانایی کنترل بیشتری بر کار خود خواهند داشت و برای استفاده از آن در جهت رفع نیازهای خود، ازجمله نیاز به رشد و توسعه سالم، فرصت‌های بیشتری به دست خواهند آورد؛ دوم این‌که انسانی‌تر است، یعنی کار افراد و گروه‌ها نه‌تنها در زمینه اموری که با اهداف آنان بیگانه است، مورداستفاده قرار نمی‌گیرد بلکه موجب استثمار و زیان دیگران نیز نخواهد شد؛ و سوم اینکه با محیط‌زیست سازگارتر است و بدین ترتیب، کار با محیط طبیعی و زیست انسانی هماهنگ خواهد بود و طبیعت را تخریب نخواهد کرد. (حیدری ساربان، ۱۳۹۴: ۲۲۱)

بررسی ادبیات توسعه پایدار نشان می‌دهد مفهوم کارآفرینی چیزی بیش از ایجاد شغل است(صفری علی اکبری، صادقی، ۱۳۹۶: ۱۰۱). اگرچه ایجاد اشتغال نیز یکی از جنبه‌های کارآفرینی است اما تنها یکی از کارکردهای آن است. دیدگاه کارآفرینی مشتمل برجست‌وجوی فرصت‌ها، پذیرش مخاطرات، پایداری برای محقق کردن ایده‌ها و مفاهیمی ازاین‌دست است (رضایی میرقائد و همکاران،۱۳۹۲: ۳۸). کارآفرینی نماد کوشش و موفقیت در امور تجاری است، کارآفرینان پیشگامان موفقیت‌های تجاری کنونی هستند. توانایی آنان در بهره‌گیری از فرصت‌ها، نیروی آنان در نوآوری و ظرفیت آنان در موفقیت، به‌عنوان معیاری جهانی برای سنجش کارآفرینی نوین شناخته‌شده است. کارآفرینان به لحاظ رهبری، مدیریت، نوآوری، کارآیی پژوهش و توسعه، ایجاد شغل، رقابت و بهره‌وری و تشکیل صنایع جدید، سهم مهم در رشد اقتصادی دارد (Kurotko and Hudgets, 2001: 41).

تاکنون تعاریف متعددی از کارآفرینی به‌عمل‌آمده است و کارآفرینی به معنی تعقیب فرصت‌ها بدون توجه به منابع تحت کنترل (Forter, 2006: 19)؛ ارزش‌آفرینی از طریق نوآوری (Drake and copper, 1946: 31)، ایجاد حداکثر بهره‌وری از حداقل منابع اقتصادی (Harper,2003)؛ ایجاد بنگاه‌های اقتصادی جدید (Low and Macmillan, 1988: 141)؛ توانایی خلق یک‌چیز از هیچ‌چیز (Ashmore et al, 2004:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

82)؛ هر نوع کوشش در ایجاد کسب‌وکار جدید یا فعالیت‌های جدید مخاطره‌آمیز همچون خوداشتغالی، ایجاد یک سازمان جدید و یا توسعه‌سازمانی یا استفاده از یک فرد، یک گروه و یا یک سازمانی که از قبل تأسیس‌شده (Selling, 2003: 965)، فرآیند خلق یا تصاحب یک فرصت و دنبال کردن آن، صرف‌نظر از منابع جاری کنترل‌شده (gerrio and Thimons, 1992: 49) مدیریت ابهام (Shane, 2000: 25) است. نهایت اینکه کارآفرین کسی است که از حداقل منابع اقتصادی حداکثر بهره‌وری را ایجاد نماید. کارآفرینان ارزش‌آفرین بوده و نوآورانی هستند که با بهره‌گیری از «تخریب خلاق» در جهت حداکثرسازی مزایای اقتصادی عمل می‌کنند و به باور ماکس وبر، کارآفرینان محصول شرایط خاص اجتماعی هستند که در این شرایط پرورش می‌یابند و این جامعه است که افراد را به‌عنوان کارآفرین شکل می‌دهد (Mohanty, 2006: 3).

بررسی ادبیات توسعه پایدار نشان می‌دهد مفهوم کارآفرینی در حوزه‌های مختلف دارای معانی متفاوتی است؛ به‌عنوان نمونه، اقتصاددانان و سیاست‌مداران بر این عقیده‌اند کارآفرینی بر رشد و تولید ناخالص داخلی اثر مثبت دارد (Caree and Thurik,2003: 21-23). از دیدگاه جامعه شناسان، کارآفرینی فرآیندی است که در شبکه متغیری از روابط اجتماعی واقع‌شده است و این روابط اجتماعی می‌تواند رابطه کارآفرینی را با منابع و فرصت‌ها، محدود و یا تسهیل نماید (احمدپور داریانی، ۱۳۸۲) و در کل در خصوص اثرات کارآفرینی بر توسعه پایدار روستاها، اقتصاددانان کارآفرینی را مهم‌ترین پیشران توسعه اقتصادی روستاها، سیاستمداران آن را یک استراتژی کلیدی برای جلوگیری و اغتشاشات و ناآرامی در روستاها، کشاورزان و روستاییان آن را ابزاری برای بهبود درآمد خویش و زنان آن را امکانی برای اشتغال در مجاورت محل سکونت خود که می‌تواند خودمختاری، استقلال و کاستن از نیازهای اجتماعی آنان را در پی داشته باشد، می‌دانند (میرزا امینی، ۱۳۸۲: ۸-۹).

به‌طورکلی دو رویکرد در کارآفرینی وجود دارد: رویکرد جامعه‌شناختی و رویکرد روان‌شناختی. از اوایل دهه ۱۹۶۰ و به دنبال عدم موفقیت روان شناسان در دستیابی به ویژگی‌های مشترک میان کارآفرینان، توجه جامعه شناسان و روان شناسان به دسته دیگری از متغیرهای جمعیت شناختی معطوف گردید که از مطالعات آنان تحت عنوان رویکرد رفتاری[1] یاد می‌شود. در این رویکرد دلایل و چگونگی تشکیل یک کسب‌وکار، یا شرکت نوپا و یا فرآیندی که طی آن شرکت‌های جدید پا به عرصه وجود می‌گذارد، موردتوجه قرار گرفته است (Drake, 2005: 25). برخلاف رویکرد روان‌شناختی که بر ویژگی‌های شخصیتی فرد تأکید دارد، رویکرد رفتاری بر فعالیت‌های کارآفرین تأکید می‌کند (Wanderwerf and Brush,1989: 11).

[1].Behavioral approach

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

تامپسون[1] (۲۰۰۱) بر اساس ترکیب یافته‌های کلیدی، ده نکته اساسی راجع به کارآفرینی را بیان می‌کند: کارآفرینان افرادی هستند که خود را از دیگران متمایز می‌سازند؛ کارآفرینان موضع‌یابی و بهره‌برداری از فرصت‌ها را انجام می‌دهند؛ کارآفرینان منابع موردنیاز برای بهره‌برداری از فرصت‌ها را پیدا می‌کنند؛ کارآفرینان ارزش‌افزوده ایجاد می‌کنند؛ کارآفرینان شبکه‌سازان اجتماعی و مالی خوب هستند؛ کارآفرینان دارای دانش عملی هستند؛ کارآفرینان دارای سرمایه مالی، اجتماعی و هنری هستند؛ کارآفرینان مدیریت خطرپذیری دارند؛ کارآفرینان در مواجه با ناملایمات دارای قاطعیت و اراده هستند و کارآفرینی نوآوری و خلاقیت را شامل می‌شود (Thpompson, 2001: 17).

بررسی اسناد و مدارک نشان می‌دهد که در مناطق روستایی به‌رغم افراد، خلاق، نوآور و کوشا، سبک فعالیت کارآفرینانه نهادینه نشده است؛ زیرا موانع و محدودیت‌های گوناگون مانند عدم پاسخ سریع به ایده‌ها و پیشنهادهای جدید، ساختار مکانیکی، ناآگاهی در چگونگی استفاده از دانش، پایین بودن خودکارآمد و تاب‌آوری سبب اندک بودن تعداد افراد کارآفرین در بین روستاییان شده است که تقویت سرمایه روان‌شناختی می‌تواند از طریق تقویت توانمندی‌ها و ظرفیت‌های روستایی تا حدود زیادی در ارتقای کارآفرینی روستایی نقش ایفا کند. صاحب‌نظران عامل روان‌شناختی را عامل تأثیرگذار در موفقیت کارآفرینی تلقی نموده و آن را در کنار عامل اجتماعی، نهادی و اقتصادی موردتوجه قرار داده‌اند (سادات مرعشیان و نادری، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

به باور لوتانز و همکاران (۲۰۰۷)، سرمایه روان‌شناختی یک وضعیت توسعه‌ای مثبت روان‌شناختی با مشخصه‌های زیر است: الف (تعهد و تلاش لازم برای موفقیت در کارها، وظایف چالش‌برانگیز (اعتمادبه‌نفس/خودکارآمدی)؛ ب) داشتن استناد مثبت درباره موفقیت‌های حال و آینده (خوش‌بینی)؛ ج)پایداری در راه هدف و در صورت لزوم تغییر مسیر رسیدن به هدف برای دستیابی به موفقیت (امیدواری)، د) پایداری هنگام مواجه با سختی‌ها و مشکلات برای دستیابی به موفقیت‌ها (انعطاف‌پذیری)، و ح) احساس نیاز مداوم برای ارتقای مهارت‌ها، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های فردی و جمعی (Thpompson, 2001: 14-16). در نهایت با توجه به مباحث مطرح شده مدل مفهومی پژوهش بدین صورت ترسیم می‌گردد. (شکل ۱)

[1]. Thpompson

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

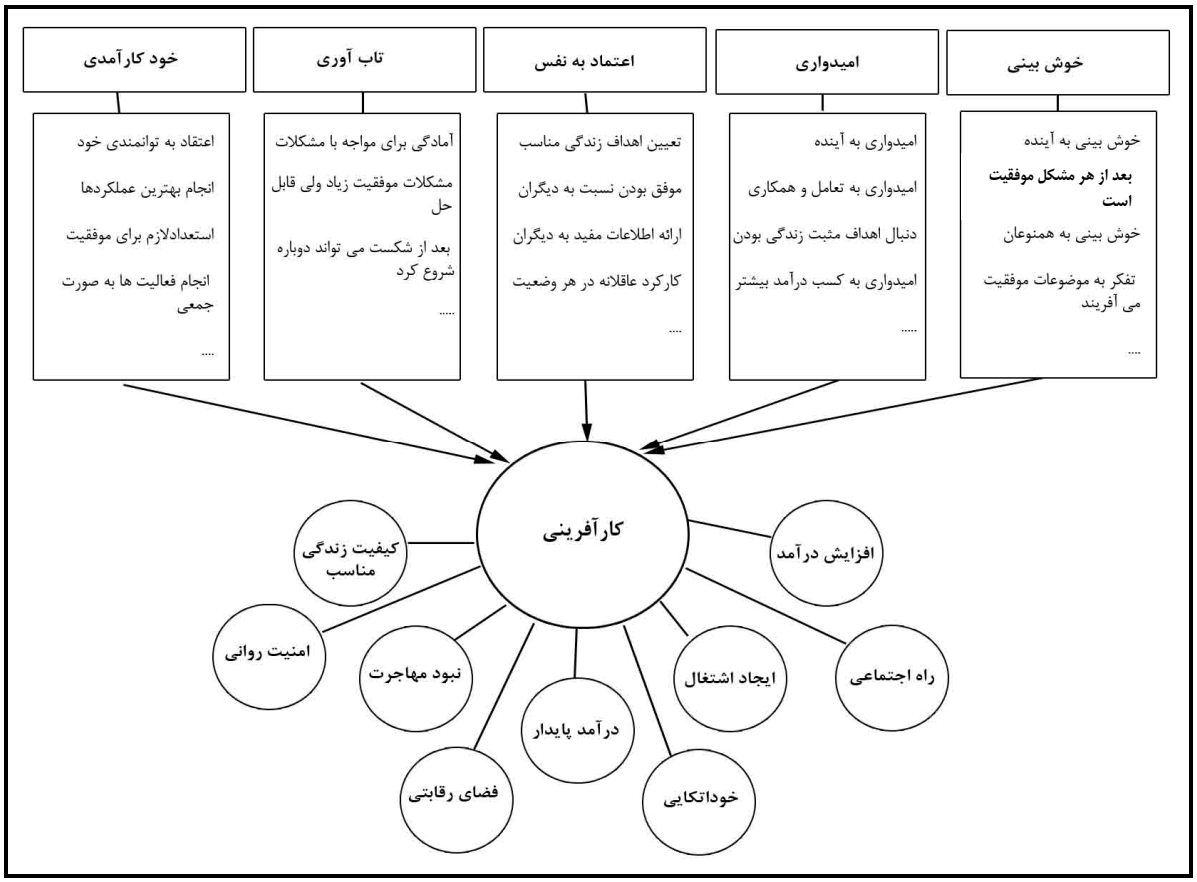

شکل(۱): مدل مفهومی پژوهش

۳) روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف، توسعه‌ای و از لحاظ ماهیت، توصیفی- تحلیل و پیمایشی و نیز از نوع همبستگی است. در این تحقیق روش گردآوری داده‌ها برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق، به دو صورت اسنادی (داده‌های ثانویه) و پیمایشی (داده‌های اولیه) و ابزار مورداستفاده درروش پیمایشی پرسشنامه بوده است. به‌منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش از دو نوع پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی و کارآفرینی روستایی استفاده گردید. پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی شامل ۴۰ پرسش که ۱۰ پرسش به صورت کیفی (سن، جنس، سواد و غیره) و ۳۰ پرسش به صورت سؤالات استنباطی است که به سنجش مؤلفه‌های خود کارآمدی، تاب‌آوری، امیدواری، خوش‌بینی و اعتمادبه‌نفس پرداخته است (جدول۲).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول شماره (۲): پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی لوتانز(PCQ)

گویه‌ها		
با اعتماد یک مسئله طولانی را بررسی می‌کنم تا به جواب برسم	با اعتماد کامل وظایفم را در کارهای جمعی معین می‌کنم	با اعتماد می توانم در بحث‌های اساسی زندگی مشارکت کنم
با اعتماد می‌توانم اهداف زندگی‌ام را تعیین کنم	با اعتماد می‌توانم در بیرون با مردم درباره موضوعات بحث کنم	با اعتماد می‌توانم اطلاعات مفید به دیگران ارائه بدم
اگر در کارها گیر کنم می‌توانم راهکارهای مختلفی پیدا کنم	در حال حاضر به دنبال اهداف زندگی‌ام هستم	فکر می‌کنم روش‌های زیاد برای حل مشکلات وجود دارد
هم‌اکنون من خودم را نسبت به دیگران موفق می‌دانم	من فکر می‌کنم توانای لازم برای پیشرفت را دارم	من فکر می‌کنم مشکلات بخشی از زندگی است
من توانایی روبه‌رو شدن با اهداف زندگی خودم را دارم	درصورتی‌که با مشکلی روبه‌رو شوم خودم را برای روبه‌رو شدن با مشکل آماده می‌کنم	معمولاً می‌توانم مشکلات متنوعی را مدیریت می‌کنم
اگر مجبور باشم در حین انجام تکالیف با خودم حرف می‌زنم	در حین انجام یک وظیفه اصلی چند وظیفه فرعی را نیز انجام می‌دهم	همیشه انتظار بهترین عملکرد را دارم حتی در صورت مشخص نبودن وظایف
در صورت هرگونه اشتباهی سعی می‌کنم عملکرد عاقلانه داشته باشم	همیشه جنبه‌های مثبت کارم را می‌بینم	نسبت به آینده خوش‌بین هستم
ممکن است همیشه کارها بر طبق خواسته‌ها نباشد	من به کسب‌وکار به‌عنوان بهترین بعد زندگی نگاه می‌کنم	من فکر می‌کنم تلاش برای پیشرفت یک فرایند مداوم است
معتقدم هر انسانی استعداد کافی را برای موفقیت دارد	معتقدم موفقیت‌های بزرگ از کارهای کوچک شکل می‌گیرد	تفکر در مورد یک موفقیت می‌تواند زمینه‌های موفقیت آتی را فراهم سازد
معتقدم دست‌یابی به موفقیت مشکل و نیازمند تلاش است	معتقدم موفقیت با کار جمعی بهتر انجام می‌شود	معتقدم به دنبال هر شکستی موفقیت وجود دارد.

برای سنجش تقویت کارآفرینی روستایی محقق با توجه به سؤالات تحقیق به تهیه و تنظیم پرسشنامه مبادرت شده است. روایی صوری[1] پرسشنامه توسط پانل متخصصان[2] مورد تأیید قرار گرفت. مطالعه راهنما[3] ابتدا با تعداد ۴۰ پرسشنامه در سطح روستاهای خارج از محدوده مورد مطالعه (روستاهای دارای کارآفرین در استان آذربایجان شرقی بوده ولی هیچ یک از کارآفرینان آنجا در روش تصادفی ساده به عنوان حجم نمونه برگزیده نشد) صورت گرفته و با استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا، پایایی[4] بخش‌های مختلف پرسشنامه تحقیق ۰/۸۹ الی ۰/۹۱ به دست آمد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه روستاییان کارآفرین استان آذربایجان شرقی به تعداد ۲۳۶۵ نفر بوده که از این تعداد ۲۰۵ نفر با استفاده روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب گردید. نحوه‌ی شناسایی و انتخاب افراد کارآفرین بر اساس لیست اداره تعاون روستایی استان آذربایجان شرقی بوده است. از سویی، برای برابری

1. Face Validity
2. Panel of Expert
3. Pilot study
4. Reliability

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

در آزمون و نتیجه، ۲۰۵ نفر از ساکنین همان روستاها که غیرکارآفرین که غیر کارآفرین بوده‌اند، با استفاده روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به‌عنوان گروه شاهد استان انتخاب شده‌اند (جدول ۳).

جدول شماره (۳): اسامی و موقعیت سیاسی روستاهای مورد مطالعه

روستا	شهرستان	تعداد کارآفرین	تعداد غیر کارآفرین
آلقو، زاوشت، کوته مهر، زاوشت بزرگ، قره چپق	بناب	۱۵	۱۵
اشان، کردکندی، خرمازرد، ورجوی، سون‌کش، چکان	مراغه	۲۲	۲۲
خضرلو، شیشوان	عجبشیر	۹	۹
لیلان، مبارک‌آباد، مجیدآباد	ملکان	۸	۸
قاضی جهان، شیرامین، خراجو، خانقاه، چراغیل، دیزج،	آذرشهر	۲۱	۲۱
دولت‌آباد، قشلاق، گنبدان	سراب	۹	۹
توپچی، سهرل، گل آباد، شیخولی	شبستر	۱۰	۱۰
گرنگاه، دیزبین، ریحان، قزلجه، پالدرن، گاودل	اهر	۱۵	۱۵
یان بلاغ، قره قیه، کریم آباد، تجرق، کلاله	میانه	۱۴	۱۴
لاهیجان، کندرود، سفیدان، الوار، سهلان، نوجه ده، زرنق، سفیده‌خوان	تبریز	۳۱	۳۱
کندوان، آمقان	اسکو	۱۰	۱۰
صومعه، نهند، مرکید	هریس	۷	۷
دستجرد، گشایش	ورزقان	۸	۸
خوش‌تازه، حسرتان، دایان، اوغاش، عطالو، طین	کلیبر	۱۳	۱۳
زوایه، حیدرآباد، نوشیروان، قشلاق ارامنه	جلفا	۱۳	۱۳
قره بلاغ، آقدره، آبریز، کلو، سرخه، زنگبار	بستان آباد	۱۵	۱۵
یساول، ذاکر کندی، امیرآباد، پیک، اوچبلاغ، حصار	چاراویماق	۲۲	۲۲
عرقطو، احمدآباد، باشماق	هشترود	۹	۹

مأخذ: اداره کل کار و رفاه اجتماعی استان آ.شرقی، ۱۳۹۵

اطلاعات به‌دست‌آمده با استفاده از شیوه‌های آمار استنباطی مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. برای تبیین رابطه بین هر یک مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی خود کارآمدی، تاب‌آوری، امیدواری، خوش‌بینی و اعتمادبه‌نفس و کارآفرین روستایی از ضرایب همبستگی اسپیرمن، آزمون یومن ویتنی و رگرسیون چندمتغیره استفاده شد و همه عملیات آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS، انجام گرفت.

استان آذربایجان شرقی یکی از استان‌های شمالی غربی کشور و در بین مدارهای ۳۶ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۲۶ دقیقه عرض شمالی و نصف‌النهارهای ۴۵ درجه و ۵ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۲۲ دقیقه طول شرقی جای گرفته است. استان آذربایجان شرقی از سمت شمال به جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان، از سمت غرب و جنوب غرب به استان آذربایجان غربی، از سمت شرق به استان اردبیل و از سمت جنوب شرق به استان زنجان محدود شده است. این استان دارای آب‌وهوای سرد کوهستانی بوده و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

کل محدوده استان را کوه‌ها و ارتفاعات تشکیل داده‌اند. مساحت این استان ۴۵/۴۹۱ کیلومترمربع است که از این جهت، یازدهمین استان بزرگ ایران محسوب می‌شود (شکل ۲).

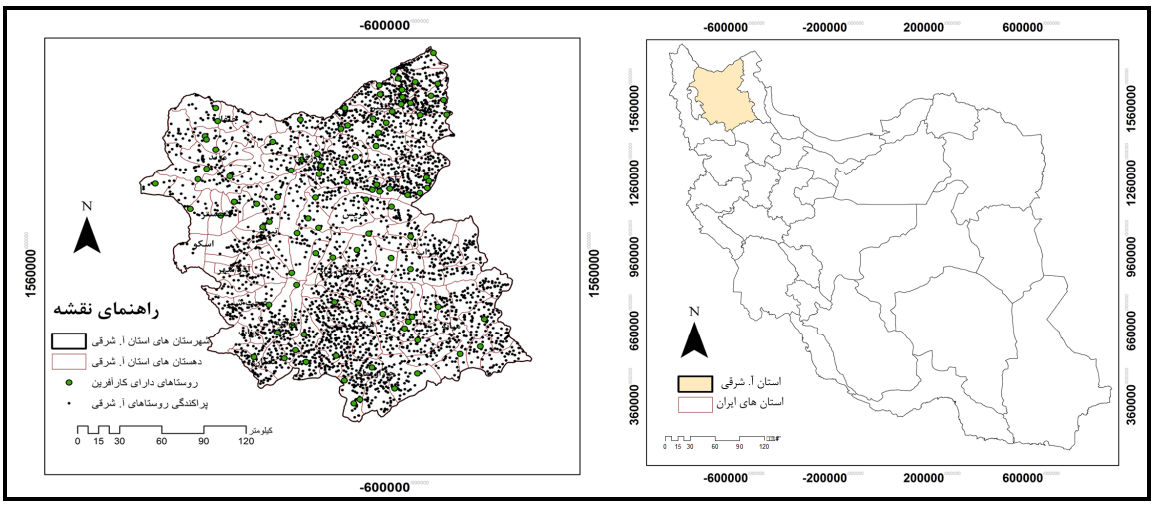

شکل شماره (۲): موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

از نظر اقتصادی و اجتماعی نیز این استان به عنوان بزرگ‌ترین، پرجمعیت‌ترین و صنعتی‌ترین استان ناحیه شمال غربی ایران محسوب می‌شود که بر اساس آمار رسمی رتبه اول صادرات غیرنفتی در کشور را دارد. همچنین بر پایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ خورشیدی، جمعیت استان آذربایجان شرقی در این سال بالغ بر ۳۷۲۴۶۲۰ نفر بوده که نزدیک پنج درصد از جمعیت کل ایران را به خود اختصاص داده است. بر همین اساس، علاوه بر این بر اساس نتایج همین سرشماری استان آذربایجان شرقی برابر با ۳۰۸۳ روستا، ۳۱۸۷۶۴ خانوار روستایی و ۱۱۴۴۴۵۲ نفر ساکن روستا است. برخی از ویژگی‌های انسانی روستاهای استان مطابق جدول (۴) است. از نظر وضعیت طبیعی نیز حدود ۱۸ درصد روستا به صورت دشتی ۷۸/۵۰ درصد به صورت کوهستانی یا کوهپایه‌ای و حدود ۳/۵۰ درصد نیز به صورت جنگلی هستند.

جدول شماره (۴): مشخصات انسانی روستاهای استان آذربایجان شرقی

جمعیت مرد	جمعیت زن	باسوادی مردان	باسوادی زنان	اشتغال مردان	اشتغال زنان
۵۰/۵۵	۴۹/۴۵	۷۸/۶۵	۷۲/۳۶	۹۸/۶۴	۹۸/۴۵

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰.

علاوه بر این وضعیت، روستاهای مورد مطالعه از نظر برخی از متغیرهای اجتماعی، اقتصادی به

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

صورت زیر بوده است. ۱۷/۲ درصد کارآفرینان زن و ۸۲/۸ درصد مرد بوده‌اند؛ ۲۷/۱۴ درصد فعالیت‌ها در بخش محصولات کشاورزی، ۳۲/۲۴ درصد فعالیت‌های در بخش صنعتی، ۱۱/۳۳ درصد در بخش استخراج مواد معدنی، ۱۰/۱۱ درصد در بخش خدمات و ۸/۶ درصد در بخش بسته‌بندی ۱۰/۵ درصد نیز در سایر فعالیت‌ها بوده است. از نظر سطح تحصیلات نیز حدود ۳ درصد افراد بی‌سواد، ۱۷/۲ درصد دارای مدرک ابتدایی و راهنمایی، ۲۸/۵ درصد دیپلم، ۳۳/۳ درصد دارای مدرک لیسانس و ۱۸ درصد نیز دارای مدارک تحصیلی بالاتر از لیسانس بوده‌اند. ۴۳/۵ درصد فعالیت‌ها مرتبط با تخصص دانشگاهی افراد و ۵۶/۵ درصد بی ارتباط بوده است. از نظر گروه سنی کارآفرینان نیز گروه سنی ۳۰ الی ۴۰ سال با ۴۲ درصد دارای بیشترین فراوانی بوده است.

۴) یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی در جدول (۲) نشان می‌دهد وضعیت امیدواری ۳/۴ درصد کارآفرینان روستایی در سطح خیلی کم، ۹/۵ در سطح کم و ۳۵ در سطح متوسط، ۳۹/۲ در سطح زیاد و ۱۲/۹ در سطح خیلی زیاد بوده است. در مقابل وضعیت امیدواری ۱۵/۴ درصد روستائیان غیرکارآفرینان در سطح خیلی کم، ۲۰/۵ در سطح کم، ۳۴/۱ در سطح متوسط، ۱۹/۵ در سطح زیاد و ۱۰/۵ در سطح خیلی زیاد برآورد شده است.

کیفیت خوش‌بینی ۵/۶ پاسخ‌گویان در سطح خیلی کم، ۱۱ در سطح کم، ۳۰/۳ در سطح متوسط، ۴۰/۵ در سطح زیاد و ۱۲/۶ در سطح خیلی زیاد برآورد گردید. نتایج همین متغیر در مورد روستاهای غیرکارآفرین نیز بدین‌صورت بوده که ۴۰/۸ درصد گزینه‌های کم و خیلی کم، ۲۵/۲ درصد گزینه متوسط و ۳۴ درصد نیز گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد را انتخاب نموده‌اند.

در رابطه با متغیر تاب‌آوری نیز ۲۸ پاسخ‌گویان در سطح خیلی کم و کم، ۳۸/۵ درصد گزینه متوسط و ۳۳/۵ درصد گزینه زیاد و خیلی زیاد را انتخاب نموده‌اند. نتایج توزیع جواب‌های متغیر تاب‌آوری در مورد افراد غیرکارآفرین نیز به‌صورت ۳۹ درصد دو گزینه کم و خیلی کم، ۲۹/۶ درصد گزینه متوسط و ۳۱/۴ درصد گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد به‌دست‌آمده است.

در مورد متغیر امیدواری در روستائیان کارآفرین نیز بیش‌ترین فراوانی با ۳۷ درصد مربوط به گزینه متوسط و همچنین در بین روستائیان غیرکارآفرین نیز با ۳۸/۳ درصد مربوط به همان گزینه متوسط بوده است. به لحاظ اعتمادبه‌نفس در بین روستائیان کارآفرین نیز ۴۱/۴ درصد در سطح متوسط یعنی بیشتر فراوانی و در بین روستائیان غیرکارآفرین نیز با ۳۷/۵ درصد مربوط به گزینه متوسط ارزیابی‌شده است. نتایج دقیق حاصل از بررسی پرسشنامه‌های به‌صورت جدول (۵) است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول شماره (۵): درصد فراوانی و انحراف معیار سرمایه روان‌شناختی کارآفرینان و غیر کارآفرینان روستایی

متغیرها	کارآفرینان						غیر کارآفرینان					
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	انحراف معیار	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	انحراف معیار
	درصد پاسخگویان						درصد پاسخگویان					
امیدواری	۳/۴	۹/۵	۳۵	۳۹/۲	۱۲/۹	۰/۹۷	۱۵/۴	۲۰/۵	۳۴/۱	۱۹/۵	۱۰/۵	۱/۰۳
خوش‌بینی	۵/۶	۱۱	۳۰/۳	۴۰/۵	۱۲/۶	۰/۹۱	۲۰/۸	۲۰	۲۵/۲	۲۴/۷	۹/۳	۱/۰۴
تاب‌آوری	۱۰/۵	۱۷/۵	۳۸/۵	۱۹/۱	۱۴/۴	۱/۰۱	۱۹/۸	۱۹/۲	۲۹/۶	۱۷/۲	۱۴/۲	۱/۲
امیدواری	۱۰/۲	۱۲/۲	۳۷	۲۴	۱۶/۶	۰/۹۸	۲۱	۲۲/۲	۳۸/۳	۱۱/۲	۷/۳	۱/۰۱
اعتمادبه نفس	۸/۲	۱۲/۲	۴۱/۴	۲۱/۳	۱۲/۹	۰/۸۹	۱۸/۱	۲۱/۳	۳۷/۵	۱۹/۷	۳/۴	۱/۰۲
میانگین کل	۴	۶/۳	۱۸	۱۴/۵	۷/۲	۰/۹۵	۱۰	۱۲/۲	۲۰	۱۲/۳	۵/۵	۱/۰۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

به‌منظور مقایسه اختلاف بین میانگین‌های تحقیق از آزمون یومن ویتنی و برای تعیین رابطه بین متغیرهای تحقیق از ضریب همبستگی اسپیرمن و برای تعیین سهم یک یا چند متغیر مستقل در پیش‌بینی متغیر وابسته از روش رگرسیون چندمتغیره (روش گام‌به‌گام) استفاده گردیده است. با توجه به جدول ۶، نتایج آزمون من‌وایت‌نی نشان می‌دهد که بین روستاییان کارآفرین و غیرکارآفرین ازنظر میزان امیدواری، خوش‌بینی، تاب‌آوری، امیدواری و اعتمادبه‌نفس اختلاف معنی‌داری در سطح ۱ درصد خطا وجود دارد. با توجه به میانگین‌های رتبه‌ای به‌دست‌آمده از دو گروه می‌توان اظهار نمود که در تمامی موارد ذکرشده سرمایه روان‌شناختی (از منظر مؤلفه‌های میزان امیدواری، خوش‌بینی، تاب‌آوری، امیدواری و اعتمادبه‌نفس) روستاییان کارآفرین روستایی بیشتر از روستاییان غیر کارآفرین روستایی بوده است.

جدول شماره (۶): نتایج آزمون من وایت نی در خصوص اختلاف میانگین روستاییان کارآفرین و غیر کارآفرین

متغیر	میانگین دو گروه مستقل		مقدار (U)	مقدار (Z)	مقدار (P)
امیدواری	کارآفرین	۱۶۶/۵۲	۱۲۳۶۵	-۲/۲۱	۰/۰۰۱
	غیر کارآفرین	۱۶۰/۳۶			
خوش‌بینی	کارآفرین	۱۹۷/۷۴	۱۲۳۲۸	-۲/۱۴	۰/۰۰۱
	غیر کارآفرین	۱۷۲/۶۵			
تاب‌آوری	کارآفرین	۱۹۰/۵۴	۱۱۵۷۴	-۲/۳۲	۰/۰۰۱
	غیر کارآفرین	۱۸۸/۵۰			
خودکارآمدی	کارآفرین	۲۰۰/۸۴	۱۳۲۴۵	-۳/۲۴	۰/۰۰۰
	غیر کارآفرین	۱۸۰/۶۱			
اعتمادبه‌نفس	کارآفرین	۲۰۱/۲۹	۱۳۵۲۱	-۳/۸۴	۰/۰۰۰
	غیر کارآفرین	۱۸۹/۸۵			

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

برای سنجش ضریب همبستگی بین متغیر تصادفی مستقل (سرمایه‌ی روان‌شناختی) با متغیرهای تصادفی وابسته (تقویت کارآفرینی) استفاده شده است. با توجه به اطلاعات مندرج در جدول (۷)، نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که رابطه بین متغیرهای میزان امیدواری، خوش‌بینی، تاب-آوری، امیدواری و اعتمادبه‌نفس با متغیر وابسته تقویت کارآفرینی در سطح ۱ درصد خطا مثبت شده است.

جدول شماره (۷): ضریب همبستگی اسپیرمن جهت تعیین رابطه بین سرمایه روان‌شناختی و تقویت کارآفرینی

متغیر مستقل		متغیر وابسته	مقدار (r)	مقدار (p)
سرمایه‌ی روان‌شناختی	امیدواری	تقویت کارآفرینی	۰/۳۴۱	۰/۰۰۱
	خویش بینی		۰/۷۸۵	۰/۰۰۰
	تاب‌آوری		۰/۳۶۲	۰/۰۰۱
	خودکارآمدی		۰/۷۹۲	۰/۰۰۰
	اعتمادبه‌نفس		۰/۵۹۸	۰/۰۰۰

مآخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

در این روش بر اساس بتای استاندارد به‌دست‌آمده متغیرهای امیدواری، خوش‌بینی، تاب‌آوری، اعتمادبه‌نفس و خودکارآیی به ترتیب به‌عنوان متغیرهایی بوده که بیش‌ترین سهم را در میزان تغییرات متغیر وابسته داشته است. بدین‌سان، با توجه به اینکه تمامی متغیرهای فوق دارای ارتباط معنی‌داری با کارآفرینی بوده، در مدل نهایی باقی‌مانده‌اند. نتایج نشان می‌دهد این متغیرهای پیش‌بین ۸۸ درصد از میزان واریانس متغیر وابسته (تقویت کارآفرینی) را پیش‌بینی می‌کند. ضریب تعیین بیانگر این است که متغیرهای دیگری نیز در میزان تقویت کارآفرینی روستاییان تأثیرگذار بوده که در مطالعه حاضر بررسی نشده است. نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه نیز معنی‌دار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها را در گام نهایی نشان می‌دهد. جدول (۸) و (۹) اطلاعات مربوط به این تجزیه‌وتحلیل را نشان می‌دهند. به‌منظور برآورد معادله تخمین، با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده و معنی‌دار بودن مدل نهایی رگرسیون چند متغیره در این پژوهش، با معادله زیر می‌توان میزان سرمایه روان‌شناختی را با تقویت کارآفرینی در منطقه موردمطالعه تخمین زد.

$$Y= 36.3+3.75(x_1)+7.53(x_2)+7.66(x_3)+7.74(x_4)+3.80(x_5)$$

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول شماره (۷): ضرایب رگرسیون چندمرحله‌ای برای تبیین رابطه سرمایه روان‌شناختی و تقویت کارآفرینی

گام	نام متغیر	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین تعدیل‌شده	مقدار F	مقدار (P)
۱	امیدواری	۰/۶۸۵	۰/۴۲۵	۰/۴۱۱	۱۶۰/۵۴	۰/۰۰۰
۲	خویش بینی	۰/۷۴۲	۰/۵۴۶	۰/۵۳۴	۱۳۸/۰۳	۰/۰۰۰
۳	تاب‌آوری	۰/۸۲۹	۰/۶۸۷	۰/۶۲۱	۱۵۵/۱۲	۰/۰۰۰
۴	خودکارآمدی	۰/۸۶۴	۰/۷۳۸	۰/۷۱۴	۱۴۱/۷۴	۰/۰۰۰
۵	اعتمادبه‌نفس	۰/۸۷۰	۰/۷۵۵	۰/۷۳۵	۱۲۹/۳۵	۰/۰۰۰

نتایج حاصل از تجزیه‌وتحلیل داده‌ها در مورد قدرت تبیین متغیرهای مربوط به سرمایه روان‌شناختی در میزان تقویت کارآفرینی به صورت جدول (۹) محاسبه شده است.

جدول شماره (۸): ضرایب متغیرهای واردشده در معادله رگرسیون نهایی

متغیرهای پیش‌بین	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استانداردشده	t محاسبه‌شده	مقدار (P)
	ضریب ورود	خطای معیار	بتا (β)		
عدد ثابت (عرض از مبدأ)	۳۶/۳	۳/۶۴	-	۹/۶۵	۰/۰۰۰
خودکارآمدی (X_1)	۳/۷۵	۰/۷۶۵	۰/۱۸۱	۴/۸۴	۰/۰۰۰
تاب‌آوری (X_2)	۷/۵۳	۰/۷۰۵	۰/۳۷۷	۹/۴۸	۰/۰۰۰
خوش‌بینی (X_3)	۷/۶۶	۰/۷۱۵	۰/۴۰۱	۹/۵۱	۰/۰۰۰
امیدواری (X_4)	۷/۷۴	۰/۶۹۹	۰/۴۶۵	۹/۹۶	۰/۰۰۰
اعتمادبه‌نفس (X_5)	۳/۸۰	۰/۳۸۰	۰/۲۰۲	۶/۳۲	۰/۰۰۰

اطلاعات مندرج در شکل ۳، نشان می‌دهد بر اساس نتایج حاصل از ضریب بتا[۱]، سهم و نقش متغیر «امیدواری» در تبیین متغیر وابسته «تقویت کارآفرینی روستایی» بیشتر از سایر متغیرها است و متغیرهای خوش‌بینی، تاب‌آوری، خودکارآمدی در اولویت بعدی قرار گرفته است.

[7].Beta

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

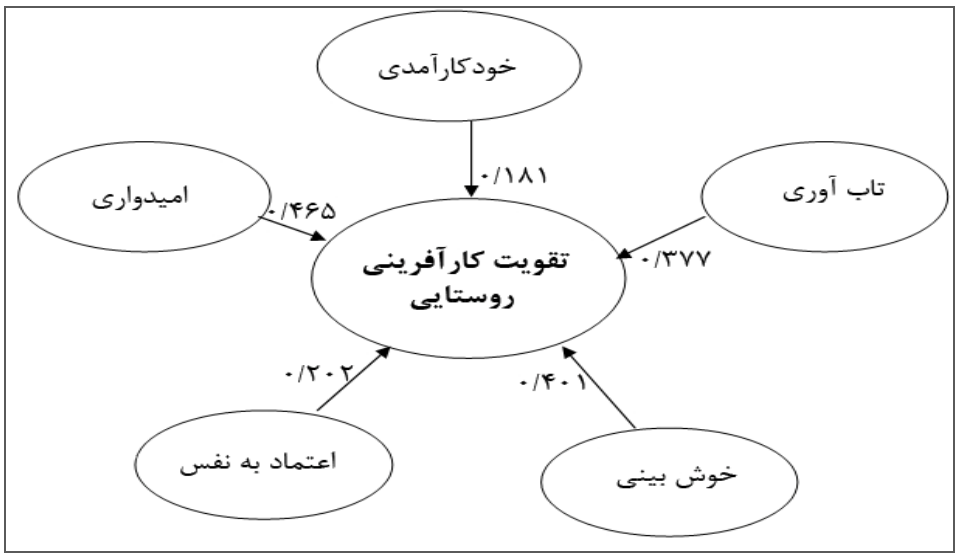

شکل شماره (۳): اهمیت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین تقویت کارآفرینی روستایی

۵) نتیجه‌گیری

موضوع کارآفرینی از جنبه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حائز اهمیت است و همواره این سؤال در ذهن محققان بوده که آیا کارآفرینی ذاتی است و یا اکتسابی؟ افزایش ناگهانی میل به سرمایه‌گذاری در آموزش کارآفرینی و کارآفرینی آموزشی پس از چند دهه تحقیق، گویای این حقیقت است که کارآفرینی قابلیت رشد و توسعه دارد. بدین‌سان توجه به ویژگی‌ها و عواملی که می‌توانند منجر به بروز کارآفرینی شود، همواره موردتوجه بوده است. از جمله عواملی که به طور مستقیم با کارآفرینی روستایی ارتباط مستقیم دارد، میزان توانمندی و همچنین ظرفیت‌های روستائیان در سطوح فردی، نهادی و اجتماعی است. در این راستا تلاش‌ها می‌بایست در جهت حداکثر کارآفرین شدن افراد با استفاده از رویکردهایی که مبتنی بر راهبردها به منظور ارتقای توانمندی و همچنین بهبود ظرفیت‌های روستائیان به منظور کارآفرینی در حوزه روستایی صورت گیرد.

نتایج در این تحقیق نشان داد سرمایه روان‌شناختی با تکیه بر دو راهبرد فوق در تقویت کارآفرینی روستایی استان آذربایجان شرقی تأثیرگذار بوده است؛ به‌طوری‌که همبستگی تقویت کارآفرینی در تمامی مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی از طریق تکیه بر دو راهبرد توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در قالب فرضیه تحقیق به تأیید شده و در این ارتباط، میزان P محاسبه شده بین مؤلفه‌های امیدواری، تاب‌آوری، خوش-بینی، خودکارآمدی و اعتماد به نفس با متغیر تقویت کارآفرینی روستایی سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ را نشان داد. از طرف دیگر، نتایج آزمون من وایت نی نشان داد که ارتباط بین مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی با متغیر کارآفرینی روستایی بیشتر از روستاییان غیرکارآفرین روستایی بوده است. به عبارتی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

متغیرهای سرمایه‌ی روان‌شناختی در بین روستائیان کارآفرین از طریق تقویت توانمندسازی و ظرفیت-سازی منجر به تقویت کارآفرینی شده درحالی که این دو راهبرد در بین روستائیان فاقد کارآفرین ضعیف‌تر بوده است.

مضاف بر این، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که تمامی متغیرهای تحقیق در معادله باقی ماندند و این ۷ متغیر توانستند ۸۸ درصد از تغییرات را تبیین نمایند. بر اساس نتایج حاصل از ضریب بتا، به ترتیب متغیرهای امیدواری، خوش‌بینی، تاب‌آوری، اعتماد به نفس و در نهایت متغیر خودکارآمدی از طریق تقویت راهبردهای ظرفیت‌سازی و توانمندسازی در تبیین متغیر وابسته (تقویت کارآفرینی) به ترتیب در اولویت اول تا پنجم قرار گرفته و دارای بیشترین میزان تأثیر بر تقویت کارآفرینی روستائیان هستند.

از دیگر نتایج این است که راهبردهای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی به عنوان راهبردهای مهم و اثرگذار در تقویت سرمایه روان‌شناختی به منظور ایجاد و تقویت کارآفرینی روستایی است. سرمایه‌ی روان‌شناختی از طریق خلق فرصت‌های جدید، خلق فعالیت‌های اقتصادی جدید، ارتقاء دانش و مهارت روستاییان، تقلیل ابهام ذاتی در فرآیند کارآفرینی، ارتقاء خلاقیت، ابتکار، نوآوری، ابداع مدیریت منابع و فعالیت جدید، خلق دانش، ذخیره دانش، اشاعه دانش، مدیریت دانش بوده زمینه را برای شکل‌گیری کارآفرینی در روستاها فراهم می‌سازد. از طرفی تقویت کارآفرینی روستایی هم با افزایش سطح بهره‌وری، اشتغال‌زایی، ارزش‌افزوده، بهبود بخشی به کیفیت زندگی جوامع روستایی، تثبیت روستاییان در مناطق روستایی، جلوگیری از مهاجرت آنان به شهر و غیره، منجر به بهبود ظرفیت‌ها و توانمندی‌های آتی روستائیان می‌شود.

بر اساس نتایج این پژوهش، کارآفرینان روستایی کسانی با اتکا به سرمایه روان شناختی، از توانمندی و ظرفیت بالایی جهت تحمل ابهام و شکست‌پذیری بالایی از خود نشان می‌دهند، زیرا سرمایه روان شناختی شرایطی را فراهم می‌آورد تا کارآفرینان روستایی هنگام شکست و ناکامی، انعطاف‌پذیری از خود نشان داده. همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش کارآفرینان روستایی به دلیل داشتن سرمایه‌ی روان-شناختی مناسب، با اتخاذ سبک استنادی مناسب (خوش‌بینی) به آینده امیدوار بوده و تلاش کنند. در این رابطه، ان ویک (۲۰۰۷)، با بررسی و مقایسه سه نوع سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی بحث می‌کند که سرمایه روان‌شناختی چیزی فراتر از دو نوع سرمایه دیگر بوده و حتی آن‌ها را نیز دربر می‌گیرد. همچنین لوتانز و همکاران (۲۰۰۷)، نیز بیان می‌دارند که افرادی که از سطح سرمایه روان‌شناختی بالاتری برخوردار هستند از انگیزش پیشرفت بالاتری برخوردار بوده و در مواجه با مشکلات سرسختی بیشتری از خود گذشتگی نشان می‌دهند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

بر اساس نتایج تحقیق بهتر است دوره‌هایی مانند برنامه مداخلاتی لوتانز در مناطق روستایی برگزار شود تا به این وسیله بتوان از طریق ارتقای سرمایه روان‌شناختی و بهبود توانمندی‌ها و ظرفیت‌ها شاخص‌های کیفیت زندگی را ارتقای بخشید. افزون بر این، ازنظر پژوهشی به پژوهش‌گران علاقه‌مند توصیه می‌شود این پژوهش را با دوره پیگیری در میان افراد ساکن در مناطق روستایی و رده‌های مختلف به تفکیک متغیرهایی مانند جنسیت، سن و میزان تحصیلات انجام دهند تا از طریق طرح‌های پژوهشی درازمدت میزان ثبات و بقای تأثیرات ایجادشده مشخص گردد. ازآنجایی‌که ارتقای سرمایه روان‌شناختی در مناطق روستایی، شاخص توانمندی نظام اجتماعی به‌شمار می‌رود، این توانمندی به لحاظ عملی از طریق ارزیابی زندگی اجتماعات روستایی مدنظر قرار می‌گیرد؛ به عبارتی سرمایه روان‌شناختی تحت تأثیر کیفیت زندگی اعم از بعد عینی و یا بعد ذهنی است که ارتقای یافته و نوعی تعادل و یکپارچگی فعال در اجتماعات روستایی به وجود آید. در نهایت اینکه به منظور تضمین موفقیت کارآفرینی در سطح روستاها بایستی با اتخاذ یک رویکرد همه جانبه تمامی عوامل اثرگذار به صورت کامل در نظر گرفت.

۶)منابع

- ابراهیمی، محمدصادق، احمد خاتون آبادی و ندا بنی اسد، (۱۳۹۳)، **مؤلفه‌های توسعه کارآفرینی روستایی (مطالعه موردی :شهرستان کرمان)**، فصلنامه کارآفرینی و کشاورزی، ۱(۱): ۸۳-۹۲.
- احمدپورداریانی، محمود، (۱۳۸۲)، **آیا کارآفرینی استراتژی دانشگاه‌ها را تغییر می‌دهد؟** فصلنامه رهیافت، شماره ۲۹: صص ۱۵-۲۶.
- امینی، علیرضا، (۱۳۸۵)، **"شاخص‌های کلیدی بازار کار در سرشماری سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵"**، هفته‌نامه بازار کار، شماره ۳۷۴، سال هشتم.
- حسینی نیا، غلامحسین و هادی فلاحی، (۱۳۹۶)، **عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی روستایی (نمونه مطالعه: مناطق روستایی شهرستان منوجان)**، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۸، صص ۲۲-۳۷.
- حیدری ساربان، وکیل، (۱۳۹۲)، **"نقش توانمندسازی روان‌شناختی بر تقویت کارآفرینی روستایی، مطالعه موردی: استان اردبیل"**، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۲۰، صص ۲۳۷-۲۱۷.
- خانی، فضیله و سمیه سادات موسوی، (۱۳۹۴)، **تحلیل جنسیتی در فرآیند پخش کارآفرینی در مناطق روستایی مورد: دهستان سولقان**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره ۱۴، صص ۱-۲۲.
- رضایی میر قائد، محسن و مهدی علیزاده عربیون، (۱۳۹۲)، **"بررسی رابطه بین کارآفرینی، محیط کسب‌وکار و توسعه اقتصادی در کشورهای عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی"**، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۲، صص ۳۷-۵۰.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و فاضل غریب‌نیا، (۱۳۸۴)، **تبیین نظریه‌ای عوامل مؤثر بر شناخت و آگاهی روستاییان از توانایی‌های خود و محیط پیرامون**، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۴۹.
- سادات مرعشیان و فاطمه نادری، (۱۳۹۲)، **رابطه فرهنگ سازمان، هوش هیجانی و سرمایه روان‌شناختی با خود کارآمدی شغلی و کارآفرینی سازمانی در کارکنان سازمان آب و برق خوزستان**، دانش و پژوهش در روانشناسی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

کاربردی، شماره ۳، پیاپی ۵۳، صص ۱۱۲-۱۲۱.

- صباحی، احمد، علی‌اکبر ناجی میدانی و الهه سلیمانی، (۱۳۹۲)، **بررسی اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب**، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۱۱، صص ۹-۱۸.
- صفری علی اکبری، مسعود و حجت اله صادقی، (۱۳۹۶)، **تحلیل عوامل زمینه ساز ایجاد و رشد کارآفرینی روستایی مورد: بخش دهدز در شهرستان ایذه**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره ۲۰، صص ۹۷-۱۱۸.
- فرجی سبکبار، حسنعلی، سید علی بدری، حمداله سجاسی قیداری، طاهره صادقلو، و علی شهدادی خواجه عسگر، (۱۳۹۰)، **اولویت بندی توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک پرومتی مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خدابنده استان زنجان**، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۵۷، صص ۶۸-۵۳.
- قدیری معصوم، مجتبی، علی غلامی، فاطمه محمدزاده لاریجانی و حجت رضایی، (۱۳۹۶)، **الگوی توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی شهرستان خوی با رویکرد الگوسازی ساختاری تفسیری**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره ۲۱، صص ۱۳۹-۱۶۴.
- موحدی، رضا و احمد یعقوبی فرانی، (۱۳۹۳)، **تحلیل عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی**، فصلنامه مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، شماره ۱۲، صص ۷-۴۲.
- میرزا امینی، محمد رضا، (۱۳۸۲)، **راهکارهای توسعه کارآفرینی و اشتغال‌زایی روستایی**، انتشارات سازمان همیاری اشتغال فارغ التحصیلان، تهران چاپ اول، جلد یک.
- نجفی کانی، علی اکبر، مهدی حسام و حدیثه آشور، (۱۳۹۴)، **سنجش وضعیت توسعه کارآفرین در مناطق روستایی مورد: دهستان استرآباد جنوبی در شهرستان گرگان**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره ۱۱، صص ۳۷-۵۶.
- Ashmore, R. D., et al, (2004), **An organizing framework for collective identity: articulation and significance of multidimensionality**, Psychological bulletin 130(1), pp. 80-92.
- Caree,M,A and Thurik, A, (2003), **the impact of entrepreneurship on economic growth, Hand book of entrepreneurship Research**, Oxford University.
- Dahlstrand, J. A, (2010), **The Caller and the Called: How Young Adults Understand Vocation in Their Lives**, 42(52), pp. 19-34.
- Drake, F. and coper, m ,(1946), **Eboracum: or, the history and antiquities of the City of York: Illustrated with Copper Plates, Bowyer**, 11(12), pp. 23-38
- Forter,L.M, (2006), **entrepreneurship and their social network; motivations, expectation**, the George Washington University, PhD Dissertation.
- Gerrio.f and, Thimons. D. (1992), **Using social cognitive career theory to predict self-employment goals**." New England Journal of Entrepreneurship 5(2), pp. 47-59.
- Harper, A, D, 2003, **Foundations of entrepreneurship and economic development, Routledge, London.**
- Kollermeier, t, (2005), **entrepreneurship and transition, International Perspectives on entrepreneurial Research**, (Elsevier Sciences Publisher, B.V), pp. 20-32
- Kurotko,F, &Hudgets,R.M. (2001), **entrepreneurship: a contemporary approach, Ferdosi University Mashhad.**
- Low, M. B. and I. C. MacMillan, (1988), **Entrepreneurship: Past research and future challenges**, Journal of management 14(2), pp. 139-161.
- Luthans, F., et al, (2007), **Positive psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfaction**, Personnel psychology 60(3), pp. 541-572.
- Luthans, S,K, Avolio, B, J, (2008), **positive psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfactions personnel psychology**, Vol(3), pp. 60-77

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- Luthans, S, K. &Susan, J.M, (2005), **the linkage between psychological capital and commitment to organizational mission: A Study of nurses**. Journal of Nursing Administration, 35(6), pp. 304-306.
- Ma, Z, (2002) **"Social-capital mobilization and income returns to entrepreneurship: the case of return migration in rural China**." Environment and Planning A 34(10), pp. 1763-1784.
- Mohanty, S.K, (2006), **Foundations of entrepreneurship, Prentice- Hall of India**
- Moscardo, G, (2008), **Building community capacity for tourism development**, Cabi, pp. 166-178.
- Seligman, M. E. and M. Csikszentmihalyi (2014), **Positive psychology: An introduction**, Springer, 3(25), pp. 111-121.
- Selling. S, (2003), "**A model of strategic entrepreneurship: The construct and its dimensions**." Journal of management 29(6), pp. 963-989.
- Shane, S.A, (2000), **the promise of entrepreneurship as a field of research**, Academy of Management, pp. 1-114.
- Silva, E, (2010), **the contribution of psychological capital to entrepreneurs success during recessionary times, submitted to non-referred stream**, New Zealand Applied business Educators Conference 27 September, pp. 1-19.
- Thpompson,J,L, (2001), **the world of the entrepreneurship a perspective**, Management Journal, 2(11), No.6, pp. 12-25.
- Unger, J. M., et al, (2011), **Human capital and entrepreneurial success: A meta-analytical review,** Journal of Business Venturing 26(3), pp. 341-358.
- Wanderwerf, P. Brush, C, (1989), **toward agreement on the focus entrepreneurial research: progress without definition** (paper presented at the National Academy of Management, Washington, D.C), 3(12), pp. 8-18.
- Babb, E. M., & Babb, S. V. (1992). **Psychological traits of rural entrepreneurs**. The Journal of Socio-Economics, 21(4), 353-362.
- De Pillis, E., & Reardon, K. K. (2007). **The influence of personality traits and persuasive messages on entrepreneurial intention**. Career Development International, 12(4), 382-396.
- Obschonka, M., Stuetzer, M., Gosling, S. D., Rentfrow, P. J., Lamb, M. E., Potter, J., & Audretsch, D. B. (2015). **Entrepreneurial regions: Do macro-psychological cultural characteristics of regions help solve the "knowledge paradox" of economics**? PloS one, 10(6), e0129332.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]